

بلاها و مصیبتها از دیدگاه اسلام

۱



محمد مهدی فجری

به گونه‌ای بروز می‌کند: بیمار شدن خود یا فرزند و یا یکی از نزدیکان، از دست دادن کسی که با او مأنوس است، مرگ خویشان و نزدیکان، گرفتاریهای مالی، بلاهای طبیعی مثل سیل و زلزله، مشکلات شخصی همچون ناسازگاری با همسر، غم و اندوه و پریشانی، غربت، تنهایی، ورشکستگی، ترس، اسارت، فقر و خلاصه هر آنچه بتوان نام بلا و سختی یا مصیبت و ناگواری بر آن نهاد، همگی از دو زاویه قابل مشاهده است.

جهان همواره دستخوش تغییر و دگرگونی است و در واقع مجموعه‌ای است از خوشیها و ناخوشیها، آسایش و سختیها، درشتیها و نرمیها، پستیها و بلندیها و... البته شاید این تنوع و فراز و نشیب در زندگی برخی افراد، کم و یا بیش‌تر از دیگران باشد؛ ولی نمی‌توان کسی را یافت که زندگی او همیشه به یک صورت و یک نواخت باشد.

سختیها و بلاها ابعاد مختلفی دارد و برای هر کسی بسته به شرایط زندگی و اجتماعی یا وضعیت روحی،

پروردگار متعال می‌فرماید: ﴿وَلْيَبْلُوكُمْ بَشِيءٌ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾^۱ «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان!».

آزمایش الهی برای جداساختن و شناخته شدن راستگویان از مدعیان دروغگو و برای خالص و ناب گرداندن مؤمنین صورت می‌پذیرد.

﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾؛ «و به تحقیق کسانی که قبل از آنها بودند را نیز امتحان کردیم، پس خداوند هم کسانی که صادق هستند و هم دروغگویان را مشخص و معلوم می‌کند.»

اگر کسی به مشکلات و مصیبت‌ها فقط از زاویه جهان مادی نگاه کند، شاید بتواند برای هر کدام دلیلی مادی بیابد؛ مثل اینکه: خشکسالی را معلول نیامدن باران، مریضی به علت عدم رعایت بهداشت و ورشکستگی را نشانه‌ای بر عدم آگاهی از تجارت دانست.

اما از دیدگاه دین مبین اسلام، عوامل متعددی در این حوادث و بلاها اثرگذار مترتب است که علل مادی، تنها بخشی از آنها شمرده می‌شود.

قرآن و ائمه علیهم‌السلام علل متعددی را برای گرفتاری و مصیبت‌ها ذکر نموده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. آزمایش

یکی از حکمت‌های بلا این است که خداوند با سختیها و بلاها بندگانش را آزمایش می‌کند و در این آزمایش تنها کسانی که صبر پیشه می‌کنند پیروز و رستگار هستند.

۱. بقره / ۱۵۵.

۲. عنکبوت / ۳.

آزمایش الهی برای جداساختن و شناخته شدن راستگویان از مدعیان دروغگو و برای خالص و ناب گرداندن مؤمنین صورت می‌پذیرد

در روایت است که امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌فرماید: «دو فرشته از آسمان به زمین فرود آمدند، در بین هوا به هم رسیدند، یکی از آنها به دیگری گفت: برای چه فرود می‌آیی؟ گفت: خداوند عزوجل مرا به طرف دریای اهل ایل فرستاده، تا ماهی ای را صید نموده و به یکی از ستمکاران برسانم، چه آنکه وی از خداوند متعال ماهی این دریا را تقاضا و درخواست نموده است. از اینرو حق جل و اعلیٰ مرا مأمور ساخته، نزد صیادی که ماهیهای آن دریا را صید می‌کند رفته، و او را به صید ماهی دریای مزبور ترغیب کنم

موارد زیر از آیات و روایات بدست می‌آید:

الف. آزمایشهای الهی همگانی است و مختص گروه خاص نیست. همه انبیا و اولیای الهی در معرض آزمایشهای الهی قرار گرفته‌اند. قرآن مجید با اشاره به امتحان عمومی انسانها می‌فرماید: ﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُشْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾؛ «آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم» به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟»

ب. امتحانات الهی به طرق مختلف صورت می‌پذیرد، چنانچه حضرت آدم علیه السلام با دستور نزدیک نشدن به درخت ممنوعه، و حضرت ابراهیم علیه السلام با امر به ذبح فرزند، و برخی با خیر و شر،^۱ مورد آزمایش قرار می‌گیرند.

۱. عنکبوت / ۴.

۲. ﴿وَتَبْلُوَكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً﴾: «و شما را با بدبها و خوبیها آزمایش می‌کنیم» (انبیاء / ۳۵).

انواع آزمایش

قرآن کریم برخی از آزمایشهای الهی را که در مورد اقوام گذشته به عمل آمده اینگونه معرفی می نماید:

۱. امتحان عقیدتی

● در یکی از جنگها که دشمن به مدینه حمله کرده بود، مسلمانها تحت فشار شدید قرار گرفتند؛ به نحوی که به خداوند متعال بدگمان شدند. در قرآن، خداوند این امر را ابتلایی برای مؤمنین محسوب می کند و پس از آن می فرماید که شما آنچنان از حیث اعتقادات در معرض خطر قرار گرفتید که اگر دشمنان بر شما چیره می شدند و پیشنهاد بازگشت به سوی شرک به شما می دادند می پذیرفتید. خداوند حکیم می فرماید: ﴿إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا ... وَكُنْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَمْطَارِهَا ثُمَّ سَبَّأُوا الْفِتْنَةَ لَأَنزَلْنَاهَا

تا بدین ترتیب، حق عزوجل آن ستمکار و کافر را به متهای آرزویش برساند.

سپس او به رفیقش گفت: تو برای چه فرستاده شدی؟

گفت: خداوند عزوجل مرا برای امری عجیب تر از آنچه ترا به آن مبعوث نموده فرستاده است. من مامورم به سراغ بنده مؤمنش که روزه دار و قائم اللیل است و دعاء و روزه اش در آسمان معروف و مشهور می باشد، بروم و ظرف غدایی را که وی پخته و برای افطارش آماده کرده و از گون نمایم تا بدین وسیله، آزمایش نهایی ایمان او صورت گرفته باشد.^۱

ج. صبر و استقامت، استمداد از نیروی ایمان و الطاف الهی، و توجه به این حقیقت که همه حوادث در پیشگاه خداوند رخ می دهد و او از همه چیز آگاه است، رمز پیروزی در امتحانات الهی است.

۱. علل الشرائع، شیخ صدوق، قم، انتشارات داوری، اول، ج ۲، ص ۴۶۵.

وَمَا تَلَبُّوْا بِهَا إِلَّا يَسِيْرًا؛^۱ «به خاطر بیاورید] زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین [شهر] بر شما وارد شدند [و مدینه را محاصره کردند] و زمانی را که چشمها از شدت وحشت خیره شده و جانها به لب رسیده بود، و گمانهای گوناگون بدی به خدا می بردید. آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند ... [آنها چنان بودند که] اگر دشمنان از اطراف مدینه بر آنان وارد می شدند و پیشنهاد بازگشت به سوی شرک به آنان می کردند می پذیرفتند و جز مدت کمی [برای انتخاب این راه] درنگ نمی کردند.»

● پس از آن که حضرت

موسی عليه السلام برای مناجات با پروردگار، به کوه طور رفت، راز و نیاز او از سی شب، به چهل شب افزایش یافت، به این وسیله قوم او مورد آزمایش قرار

گرفتند؛ ولی نتوانستند از این امتحان سربلند بیرون آیند؛ چراکه شرک، در بدترین صورتش دامان بنی اسرائیل را گرفت. قرآن کریم با بیان این مطلب می فرماید:

﴿قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَ

أَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ﴾؛^۲ «گفت ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت!».

مهم تر آنکه قبل از این آزمایش، هارون جانشین حضرت موسی عليه السلام آن مردم را از چنین امتحانی مطلع ساخته بود؛ ولی آنها توجه نکرده و به پیروی از سامری به گوساله پرستی روی آوردند.

۲. امتحان مالی

قرآن کریم در آیات متعدد به این آزمایش الهی اشاره می کند: ﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ

عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَيَقُولُ رَيْسِي أَهَانَنِّي! «اما انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش، اکرام می‌کند و نعمت می‌بخشد [مغرور می‌شود و] می‌گوید: «پروردگارم مرا گرامی داشته است! و اما هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر او تنگ می‌گیرد [مایوس می‌شود و] می‌گوید: «پروردگارم مرا خوار کرده است!»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَا بَلَى اللَّهُ الْعِبَادَ بَشْيءٍ أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنْ إِخْرَاجِ الدَّرَاهِمِ»^۲ خدواند بندگان را به چیزی مبتلا نکرده که سخت‌تر از انفاق درهم باشد.»

۳. امتحان جانی

تاریخ گویای آزمایش بسیاری از انسانها در جنگها بسوده است. امتحانات الهی در جنگها انسانهای مومن را از صف منافقان و ریاکاران جدا نموده است. مروری بر جنگها از صدر اسلام تاکنون، نشانگر آن است

که برخی، تا زمانی ایمان دارند که کوچک‌ترین خطری آنان را تهدید نکند و برخی منافع مالی را بر یاری امام حسین علیه السلام ترجیح می‌دهند و برخی غنایم جنگی را بر دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله مقدم می‌دانند. خلاصه آنکه ترس از جبهه و جنگ، محاصره اقتصادی، کشته شدن عزیزان، و... موارد آزمایش افراد در جنگها بوده است. خداوند متعال در سوره محمد صلی الله علیه و آله با بیان اینکه؛ اگر ما بخواهیم می‌توانیم دشمنان را مجازات نماییم، جنگ را سبب آزمایش افراد معرفی کرده می‌فرماید:

«وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَا بَغْضَکُمْ بِنَفْسٍ»^۳ «و اگر خدا

می‌خواست خودش آنها را مجازات می‌کرد؛ اما می‌خواهد بعضی از شما را با بعضی دیگر بیازماید.»

۴. امتحان خانوادگی

قرآن مجید همسر و فرزندان را امتحان الهی دانسته، می‌فرماید:

۱. فجر / ۱۵ - ۱۶.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۷۰، ص ۱۳۹.

۳. محمد / ۴.

﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾^۱

«اموال و فرزندان شما فقط وسیله آزمایش هستند».

بسیاری از کسانی که به ظاهر، پای بند به امور دینی و مسائل اخلاقی هستند، به هنگامی که پای فرزندان به میان بیاید گویی پرده‌ای بر افکارشان می‌افتد و تمام قوانین الهی و مسائل انسانی و عدالت، به دست فراموشی سپرده می‌شود. عشق به فرزند سبب می‌شود که حرام را حلال، و حلال را حرام بشمارند و برای تامین آینده خیالی او تن به هر کاری داده و هر حقی را زیر پا بگذارند؛ باید خود را در این میدان بزرگ امتحان، به خدا بسپاریم و به هوش باشیم که بسیار کسان، در این میدان لغزیده و سقوط کرده و نفرین ابدی را برای خود فراهم ساخته‌اند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ

لِيَأْتَهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَى فِتْنَةٍ وَ لَكِنْ مَنْ اسْتَعَاذَ فَلَيْسَتْ مِنْهُ مَضِلَّاتٌ الْفِتْنِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَ مَعْنَى ذَلِكَ أَنَّهُ سُبْحَانَهُ يَخْتَبِرُهُمْ بِالْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ لِيَتَبَيَّنَ السَّخِطُ لِرِزْقِهِ وَ الرَّاضِي بِقِسْمِهِ؛^۲ کسی از شما نگوید خدایا از فتنه به تو پناه می‌برم! چه هیچکس نیست مگر اینکه در فتنه‌ای است، لیکن آنکه پناه خواهد از فتنه‌های گمراه کننده [به خداوند] پناه برد که خدای سبحان فرماید: «بدانید که مال و فرزندان شما فتنه است» و معنی آن این است که خدا آنان را به مالها و فرزندان می‌آزماید تا ناخشنود از روزی وی، و خشنود از آنرا آشکار نماید».

۲. شکوفایی و تکامل

شکوفای شدن استعدادهاى نهفته انسانی یکی دیگر از علل و حکمتهای مصایب است؛ استعدادهایی که در آرامش و آسایش شناخته نمی‌شوند.

۲. نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، بوستان کتاب،

رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنَازِلَ لَأَيُّهَا الْعِبَادُ بِأَعْمَالِهِمْ لَيْسَ لَهَا عِلَاقَةٌ مِنْ فَوْقِهَا وَلَا عِمَادٌ مِنْ تَحْتِهَا»^۳ در بهشت منزلگاههایی است که نه به چیزی آویزان است و نه تکیه گاهی در زیر دارد [بلکه معلق است] و بندگان با اعمال خود نمی توانند به آنها دست یابند».

کسی از آن حضرت پرسید: صاحبان این منزلها چه کسانی هستند؟ آن حضرت فرمود: «هُمْ أَهْلُ الْأَبْلَاءِ وَالْأَهْمُومِ»^۴ آنها اهل بلاها و رنجها هستند.

شهید مطهری در کتاب عدل الهی می فرماید: «در شکم گرفتاریها و مصیبتها، نیک بختیها و سعادتها نهفته است، همچنان که گاهی هم در درون سعادتها، بدبختیها تکوین می یابند و

چنانکه امام علی عَلِيٌّ می فرماید: «وَفِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمٌ جَوَاهِرُ الرُّجَالِ»^۱ در دگرگونی احوال گوهر مردان معلوم شود».

امام جعفر صادق عَلِيٌّ در کلامی گهربار می فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ الدَّرَجَةُ لَأَيُّهَا بِعَمَلِهِ فَيَنْتَلِيهِ اللَّهُ فِي جَسَدِهِ أَوْ يُصَابُ بِمَالِهِ أَوْ يُصَابُ فِي وُلْدِهِ فَإِنْ هُوَ صَبَرَ بَلَغَهُ اللَّهُ إِيَّاهَا»^۲

[ممکن است] برای بنده ای در نزد خدا درجه و رتبه ای باشد که از طریق عملش به آن درجه نمی رسد، پس خداوند او را به بلا و مصیبتی در بدن و یا مال و یا مصیبت فرزند مبتلا می سازد تا اگر صبر و تحمل نماید خداوند او را به آن درجه برساند».

در برخی روایات، به درجاتی از بهشت اشاره شده که راه رسیدن انسان مؤمن به آن فقط با سختی و تحمل بلا میسر می شود. چنانکه

۳. همان، ج ۷۸، ص ۱۹۳.

۴. عدة الداعی، ابن فهد حلی، دارالکتب الاسلامی، اول، ص ۲۵۵.

۱. کافی، شیخ کلینی، ج ۸، ص ۲۳.

۲. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۶۸، ص ۹۴.

ضرورت دارند و اگر محتتها و رنجها نباشد بشر تباہ می‌گردد، می‌فرماید: «تضاد و کشمکش، شلاق تکامل است. موجودات زنده با این شلاق، راه خود را به سوی کمال می‌پیمایند. این قانون، در جهان نباتات، حیوانات و بالاخص انسان، صادق است».^۲

امیر المؤمنین علی علیه السلام در یکی از نامه‌های خود که به عثمان بن حنیف - فرماندار خسویش در بصره - نوشته‌اند، این قانون بیولوژیک را گوشزد می‌کنند که: «در ناز و نعمت زیستن و از سختیها دوری گزیدن، موجب ضعف و ناتوانی می‌گردد، و برعکس، زندگی کردن در شرایط دشوار و ناهموار، آدمی را نیرومند و چابک می‌سازد و جوهر هستی او را آبدیده و توانا می‌گرداند». این پیشوای بزرگ در این نامه، فرماندار خود را نکوهش می‌کند که چرا در مجالس شب نشینی اشراف شرکت کرده و در

این، فرمول این جهان است: «یولجُ اللیل فی النَّهَارِ وَیولجُ النَّهَارُ فی اللیل»؛^۱ «خدا شب را در [شکم] روز فرو می‌برد و روز را در [شکم] شب»

ضرب المثل معروفی است که می‌گوید: پایان شب سیه سپید است. این ضرب المثل تلازم قطعی بین تحمل رنج و نیل به سعادت را بیان می‌کند، گویی سپیدیها از سیاهیها زاییده می‌شوند. قرآن کریم برای بیان تلازم سختیها و آسایشها می‌فرماید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرًا»؛^۲ «پس حتما با سختی، آسانی است، حتما با سختی آسانی است».

فرمایش قرآن این نیست که بعد از سختی، آسانی است؛ بلکه این است که با سختی، آسانی است؛ یعنی آسانی در شکم سختی و همراه آن است.

ایشان در ادامه با بیان اینکه مصیبتها و شدائد برای تکامل بشر

۱. حدید / ۶.

۲. شرح / ۵ - ۶.

۳. برگرفته از کتاب عدل الهی، مرتضی مطهری،

ص ۱۵۴ - ۱۵۷.

محفلی که بینوایان را در خود نپذیرفته و تنها ثروتمندان را در خود جای داده است گام نهاده است، و به همین مناسبت، زندگی ساده خویش را شرح می‌دهد و از پیروان خود - و مخصوصاً کارگزاران حکومت خود - می‌خواهد که به شیوه او تاسی جویند.

آنگاه برای بستن راه بهانه جوئی توضیح می‌دهد که شرایط ناهموار و تغذیه ساده، از نیروی انسان کم نکرده و قدرت را تضعیف نمی‌کند. درختان بیابانی که از مراقبت و رسیدگی مرتب باغبان، محروم هستند چویشان محکم‌تر و دوامشان بیشتر است و بر عکس، درخت باغستانها که دائماً مراقبت شده و باغبان، به آنها رسیدگی می‌کند، نازک پوست‌تر و بی دوام‌ترند: «أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُوداً وَالرَّوَايِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُوداً وَالنَّابِتَاتِ الْعِذْيَةَ أَقْوَى وَقُوداً وَابْنُ بَابِي، چویشان سخت‌تر، و درختان

کنار جویبارها، پوستشان نازک‌تر است. درختان بیابانی که با باران سیراب می‌شوند آتششان شعله‌ورتر و بادوام‌تر است.»^۱

۳. حفظ و تقویت ایمان

یکی دیگر از محاسن بلا و مصیبت، حفظ و تقویت ایمان است.

چنانچه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «جبرئیل گفت که خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلُحُ إِيمَانُهُ إِلَّا بِالْفَقْرِ وَ لَوْ أَغْنَيْتَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلُحُ إِيمَانُهُ إِلَّا بِالْفَنَى وَ لَوْ أَفْقَرْتَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلُحُ إِيمَانُهُ إِلَّا بِالسُّقْمِ وَ لَوْ صَحَّحْتُ جِسْمَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلُحُ إِيمَانُهُ إِلَّا بِالصَّحَّةِ وَ لَوْ أَسْقَمْتَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ إِنِّي أُدَبِّرُ عِبَادِي بِعِلْمِي بِقُلُوبِهِمْ فَبِئْسَى

عَلَيْمٌ خَيْرٌ^۱ در بین بندگان مؤمنم، کسی هست که به جز فقر و تهیدستی چیزی ایمانش را اصلاح نمی‌کند که اگر ثروتمندش نمایم، همین ثروت موجب فساد و تباهی ایمانش می‌شود. و در بین بندگان مؤمنم، کسی هست که جز با ثروت، ایمانش اصلاح نمی‌شود و اگر تهیدستش نمایم، فقر و تهیدستی باعث فساد و تباهی ایمانش می‌گردد. و در میان بندگان مؤمنم، کسی هست که جز با مریضی، ایمانش اصلاح نمی‌گردد و اگر جسمش را سالم کنم همین سلامتی، ایمانش را از بین می‌برد و در بین بندگان مؤمنم، کسی هست که جز با سلامتی و صحت، ایمانش اصلاح نمی‌شود که اگر مریضش کنم، همین مریضی، ایمانش را تباه می‌کند. من بواسطه علمی که به درون و قلوب بندگانم دارم [امور] آنها را

تدبیر می‌کنم. بدرستی که من دانا و آگاهم.»

قرآن کریم با اشاره به این مطلب می‌فرماید: «عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۲ چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.»

۲. پیشگیری و درمان

با بررسی آیات و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام به خوبی مشاهده می‌شود که بسیاری از بلاها جنبه پیشگیری و درمان دارند؛ چنانچه گاه، بلایی بنده را به پیش رانده و یا او را از انجام کاری که به مصلحت نیست، باز می‌دارد و یا خطا و انحرافی را جبران می‌کند و گاه بلا، در حکم هشدار است که انسان را از خطر باز می‌دارد.

۱. توحید، شیخ صدوق، قم، انتشارات جامعه

مدرسین، ۱۳۹۸ ه. ق، ص ۲۰۰.

۲. بقره / ۲۱۶.

شکوفا شدن استعداد های نهفته انسانی یکی دیگر از علل و حکمتهای مصایب است

الف: هشدار

قرآن مجید درباره اثر هشدار دهندگی برخی بلاها چنین می‌فرماید:

﴿وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۱ «به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می‌چشانیم، شاید باز گردند».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ﴾^۲ هنگامی که انسان را زبانی رسد، پروردگار خود را می‌خواند و بسوی او باز می‌گردد؛ اما هنگامی که نعمتی از خود، به او عطا کند، آنچه را بخاطر

آن قبلاً خدا را می‌خواند از یاد می‌برد.

پس؛ سختی و زیان، موجب می‌شود که انسان متوجه خدای خود شده و به راز و نیاز با او پردازد. همه ما چنین اثری را تجربه کرده‌ایم که در سختیها بیش‌تر به خداوند روی می‌آوریم. قرآن کریم با اشاره به این مطلب، در مورد برخی افسراد می‌فرماید: ﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾^۳ «هنگامی که سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می‌خوانند [و غیر او را فراموش می‌کنند]؛ اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرک می‌شوند! [و خدا را فراموش می‌کنند].»

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۴۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَنْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ التَّمَرَاتِ

۱. سجده / ۲۱.

۲. زمر / ۸.

۳. عنکبوت / ۶۵.

ب: جبران

جبران خطاها و گناهان انسان مؤمن، علتی دیگر بر بلاهایی است که بر او وارد می‌شود. رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله با بیان این نکته که؛ برخی گناهان جز به وسیله بلا و سختی جبران نمی‌شود، می‌فرماید: «إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُ الْمُؤْمِنِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا يُكَفِّرُهَا اِنْتَأَى اللَّهُ بِالْحُزْنِ لِيُكَفِّرَهَا بِهِ عَنْهُ» هر گاه گناهان مؤمن زیاد گردند، و عمل [نیکی] نداشته باشد که کفاره آنها باشد، خداوند او را گرفتار پریشانی و اندوه می‌کند تا کفاره گناهان او باشد.

حضرت علی رضی الله عنه نیز می‌فرماید:

«مَا مِنَ الشَّيْءِ عِنْدَ يَقَارِفُ أَمْراً نَهَيْتَاهُ عَنْهُ فَيَمُوتُ حَتَّى يُبْتَلَى بِبَلِيَّةٍ تُمَحِّصُ بِهَا ذُنُوبَهُ إِمَّا فِي مَالٍ أَوْ فِي وَدَدٍ وَإِمَّا فِي نَفْسِهِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَمَا لَهُ ذَنْبٌ وَإِنَّهُ لَيَبْقَى عَلَيْهِ الشَّيْءُ مِنْ ذُنُوبِهِ»

وَ حَسْبُ الْبَرَكَاتِ وَ اِغْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيُتُوبَ تَائِبٌ وَ يَقْلِعَ مَقْلِعٌ وَ يَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرٌ وَ يَزْدَجِرَ مُزْدَجِرٌ؛ خداوند بندگان خود را هنگام ارتکاب گناه، با کمبود میوه‌ها، و جلوگیری از نزول برکات، و بستن در گنجهای خیرات، مبتلا می‌سازد؛ برای آنکه، توبه کننده‌ای باز گردد و [دل] کننده‌ای [از گناه]، [دل] بکند، و پند گیرنده‌ای، پند گیرد، و باز دارنده‌ای [بندگان خدا را از نافرمانی] باز دارد.»

ذکر این نکته ضروری است که بلاها تنها برای هشدار دادن به خود بلا دیده نیست، بلکه دیگران نیز باید با دیدن و شنیدن بلا و مصیبتی که برای دیگران فرود آمده، هشیار شوند و بدانند این برنامه‌ها مختص به افراد خاص نیست، و ممکن است هر زمان، گریبان افرادی را گرفته و آنان را مورد امتحان و آزمایش قرار دهد.

بنسب این لازم است انسان، مصیبت‌های دیگران را هشدار برای خود نیز بداند و از آن عبرت بگیرد.

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۷.

فَيَشَدُّ بِهِ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ^۱ اگر بنده‌ای از شیعیان، گناهی که ما او را از آن نهی کرده‌ایم مرتکب شود، قبل از اینکه از دنیا برود به یک گرفتاری مبتلا می‌شود که گناهانش بوسیله آن گرفتاری پاک گردد. [این گرفتاریها] یا در مال و یا در فرزند و یا در خودش [ظاهر] می‌گردد. تا هنگامی که خداوند را ملاقات کند، برایش گناهی نباشد و اگر گناهی از وی باقی مانده باشد هنگام مرگ، بر وی سخت گرفته می‌شود [تا گناهانش آمرزیده گردد].»

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَلَمْ يَجِدْ مَا يُكْفِّرُهَا بِهِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِالْحُزْنِ فِي الدُّنْيَا لِيُكْفِرَهَا بِهِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ وَ إِلَّا أَسْقَمَ بَدَنُهُ لِيُكْفِرَهَا بِهِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ وَ إِلَّا شَدَّ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ لِيُكْفِرَهَا بِهِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ وَ إِلَّا عَذَّبَهُ فِي قَبْرِهِ لِيَلْقَى اللَّهَ

عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَ لَيْسَ شَيْءٌ يَشْهَدُ عَلَيْهِ بِشَيْءٍ مِنْ ذُنُوبِهِ^۲ چون گناهان بنده بسیار شود و نیابد چیزی را که جبران گناهان او را کند، خدا او را به اندوه در دنیا گرفتار سازد تا کفاره گناهان او گردد، پس اگر چنین کرد [خوب است] وگرنه بدنش را بیمار می‌کند تا گناهانش را ببوشاند، پس اگر چنین کرد [خوب است] و إِلَّا هنگام مرگش بر او سخن می‌گیرد تا به این وسیله گناهانش پاک شود، پس اگر چنین نمود [خوب است] وگرنه او را در قبرش عذاب می‌کند تا اینکه در روز قیامت که خدا را ملاقات می‌کند، در حالی ملاقاتش کند که چیزی از گناهانش که بخواهد بر ضرر او گواهی دهد باقی نمانده باشد.»

یکی از اصحاب به نام قبیصة بن برهه می‌گوید: «من نزد پیامبر

۲. امالی، شیخ صدوق، قم، انتشارات اسلامی،

۱۳۶۲ هـ. ش، ص ۲۹۴.

۱. مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم، موسسه

آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۲، ص ۵۲.

به درجات عالی است. چنین مواقعی - مانند معلم که از دانش آموز خوب و درس خوان، بیش تر توقع دارد و در صورت کوتاهی اندک، او را مورد تادیب قرار می دهد - خداوند رحیم و مهربان بندگان مؤمن و صالح را به خاطر کم ترین اشتباه، تادیب می کند تا پیمودن راه کمال در آنها کند نشود. چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «و چه بسا! برخی از شیعیان ما، در آغاز کار، «بسم الله الرحمن الرحيم» را فراموش می کنند و وامی گذارند! در نتیجه؛ خدا به گرفتاری و بلا، دچارشان می کند، برای اینکه آگاه و بیدارشان سازد! تا شکر و ثنای او را بجای آورند. و در آن گرفتاری و بلا، لگه ننگ و تقصیر و کوتاهی آنان را [به هنگام ترک بسم الله] بزدايد!».

در ادامه، آن حضرت به این داستان اشاره می کند: «عبدالله بن یحیی، به حضور امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شد، و در مقابلش صندلی بود، امیر المؤمنین علیه السلام به او دستور نشستن

خدا سبحانه و تعالی نشسته بودم که زنی خدمت حضرت آمد و گفت: یا رسول الله به درگاه خدا برای من دعا فرمایید؛ زیرا فرزندانم می میرند. حضرت فرمود: تاکنون چند فرزندت مرده اند؟ آن زن گفت: تا به حال سه فرزندم مرده اند. حضرت فرمود: از آتش جهنم بازداشته و ممنوع گردیدی و فرزندانت برای تو پناهگاه استوار و محکمی هستند و ترا از آتش جهنم حفظ می کنند.»^۱

امام علی علیه السلام بیماری کودکان را کفاره گناهان پدر و مادر آنها معرفی کرده، می فرماید: «فِي الْمَرَضِ يُصِيبُ الصَّبِيَّ فَقَالَ كَفَّارَةٌ لِوَالِدَيْهِ»^۲ بیماری که به کودک می رسد، کفاره و پاک کننده [گناه] والدین اوست».

ج: تادیب

دستورهایی از اولیای دین، به ما رسیده که انجام آنها واجب نیست؛ اما ترک کردنش، مانع کمال و رسیدن

۱. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۹۷.

۲. کافی، شیخ کلینی، ج ۶، ص ۵۲.

در برخی روایات، به
درجاتی از بهشت اشاره
شده که راه رسیدن انسان
مؤمن به آن فقط با سختی
و تحمل بلا میسر می‌شود

عبدالله بن یحیی گفت: یا
امیرالمؤمنین! آیا به‌راستی؛ ما به
گناهانمان مجازات نمی‌شویم، جز در
دنیا؟! فرمود آری! [همین طور است]
آیا نشنیدی که رسول خدا ﷺ
فرمود: «دنیا زندان مؤمن است و
بهشت کافر؟»

خدا شیعیان ما را [به‌خاطر محنت
و رنجی که در این دنیا متحمل‌اند، و
به‌خاطر آمرزشی که نصیب آنان
فرموده است] حتماً از گناهان، پاک و
پاکیزه می‌گرداند! از این جهت است
که خدا می‌فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ
مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ

داد، و او هم، روی آن نشست.
[ناگهان] صدلی، کج شد! و با سر
[به زمین] فرود آمد و [سرش
شکست] و استخوان سرش اندکی
نمایان شد و خون، جاری گشت! امیر
المؤمنین عليه السلام دستور داد آب آوردند و
خون را از سر او شست. آنگاه فرمود:
نزدیک من بیا. نزدش آمد.

دست خویش را بر آن [زخمی]
که استخوانش نمایان بود، گذاشت،
عبدالله از درد بی‌تاب شد
حضرت بر آن، دست مالید و آب
دهان انداخت. به مجرد این کار،
زخمش خوب شد! آنچنان که گویی
-اصلاً- جراحی به او نرسیده است.

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: ای
عبدالله! حمد و ستایش برای
خداوندی است که پاک کردن گناه
شیعیان ما را [در دنیا] به رنج و
محنتشان قرار داده است تا فرمانبری
و طاعت آنان را، برایشان، بی‌آلایش
و سالم گرداند، و مستحق اجر و
ثواب آن گردند.

«در زمانهای گذشته دو نفر بودند، یکی از آنها مطیع و مؤمن خدا بود و دیگری کافر - که آشکارا به دشمنی دوستان او، و دوستی با بدخواهان و دشمنانش، می پرداخت - و برای هر کدام (از این فرد مؤمن و کافر)، فرمانروایی و سلطنت عظیمی در گوشه‌ای از زمین بود.

روزی آن کافر بیمار شد، و در غیر وقتش هوس ماهی کرد، چون آن نوع ماهی، در آن هنگام، در جایی وجود داشت که بدست آوردنش امکان نداشت، بنابراین، پزشکان او را از زندگی ناامید کردند و گفتند:

جانشین و قائم مقامت را معین کن، که تو از اهل گورستانی و مرگت حتمی است و فقط شفایت در این ماهی است، که به آن میل و اشتیاق داری و بر آن [نیز] راهی نیست.

در این هنگام خدا فرشته‌ای بر انگیخت، و به او فرمان داد که آن ماهی را از جایش برانگیزد و به طرفی سوق دهد که به دست آوردنش آسان

کثیر؛^۱ «هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند.» تا هنگامی که به روز رستاخیز وارد شدند، طاعات و عباداتشان بر آنها، سرشار گردد؛ اما اگر از دشمنان محمد ﷺ و دشمنان و بدخواهان ما

[کار خیری سر بزنند] به فرمانبری و طاعتی که از آنان سر زده است، در دنیا، پاداش و جزا می‌دهد اگر چه طاعتشان بی وزن و بی ارزش است؛ چون خلوصی همراهش نیست. تا هنگامی که به آستان رستاخیز در آمدند، گناه و کینه خود [که از محمد و آل محمد ﷺ و یاران خوب او، در دل داشتند] بر آنان بار گردد و به خاطر آن، در آتش افکنده شوند.

و هر آینه شنیدم: محمد ﷺ می‌فرماید:

و اهل آن سامان - در زمین - به شگفتی فرو رفتند؛ تا آنجا که نزدیک بود در فتنه قرار گیرند؛ چون خدای تعالی - از روی فضل و حکمتش - بر آن کافر، آنچه را که بر او راهی نبود، آسان گردانید. و بر آن مؤمن، آنچه را که به سادگی، بر آن راهی بود، غیر ممکن گردانید. آنگاه خدا، به فرشتگان آسمان و پیامبر آن زمان - در زمین - وحی فرمود: البته من - بدون هیچ شک و شبهه‌ای - منم خدای کریم تفضل کننده توانا آنچه عطا کنم، زیانم نرساند و آنچه باز دارم، از من نکاهد و مقدار [ذره‌ای] به کسی ستم نکنم.

اما کافر؛ برای او، بدست آوردن ماهی را - در غیر زمانش - آسان نمودم، جهتش تنها این بود که جزای حسنه‌ای باشد که وی عمل کرده بود - ؛ چون بر من حق است که از هیچ کس، حسنه‌ای از بین نبرم - تا به رستاخیز در آید. و هیچ حسنه‌ای در نامه عملش نباشد و به کفر خویش،

شود. در نتیجه ماهی برایش گرفته شد. و آن را خورد و از ناخوشی بهبودی یافت. و در فرمانروایش سالهای سال - بعد از آن - به جای ماند.

سپس - تقدیر الهی - چنین واقع شد که آن پادشاه مؤمن نیز مریض شد - همانند مرض آن کافر - و آن ماهی را درخواست نمود، پزشکان همان ماهی را برای او تجویز کردند که در محل پادشاهی او به راحتی قابل دسترس بود. در نتیجه پزشکان به پادشاه گفتند: آسوده خاطر باش، اکنون وقت آن است که برایت بگیرند، و از آن بخوری و شفا یابی.

در این هنگام، خدا آن فرشته را برانگیخت، و به او فرمان داد که جنس آن ماهی را از سواحل کرانه‌ها و گردابها براند، تا دسترسی به آن ممکن نشود. در نتیجه [آن ماهی] بدست نیامد. و آن مؤمن، بخاطر هوس [و دوری از درمانش] از دنیا رفت. از این جریان، فرشتگان آسمان

یکی دیگر از محاسن بلا و مصیبت، حفظ و تقویت ایمان است

«هر کار قابل توجه که در آن یادی از بسم الله نشود، ناقص و بریده است.»^۱

گفتم: آری، پدر و مادرم فدای شما. بعد از این، ترکش نمی‌کنم. فرمود: در این صورت: از آن بهره‌مند و سعادت‌مندی.^۲

ادامه دارد...

داخل آتش گردد. و بنده مطیع [خودم] را عین آن ماهی، باز داشتم؛ بسبب خطائی که از او سر زده بود و با منع و رد آن میل و هوس و از بین بردن آن دارو، پاک شدنش را از آن، اراده نمودم. و خواستم که به [آستان] من بیاید و [جرم و] گناهی در او نباشد و [پاک و پاکیزه] داخل بهشت گردد.» در این هنگام؛ عبدالله بن یحیی گفت:

یا امیرالمؤمنین! به حقیقت، بال و پرم دادی و مرا تعلیم فرمودی، پس اگر صلاح بدانی، گناهم را در اینجا - که به آن امتحان شدم - معرفی کنی تا همچنان تکرارش نکنم.

فرمود: لحظه‌ای که نشستی، بسم الله الرحمن الرحیم نگفتی! نتیجه این شد که بخاطر سهو و نسیان از آنچه به آن دعوت گشتی و خوانده شدی، خدا به این مصیبت و گرفتاریت، تمحیص و پاک‌سازی از گناه قرار داد. آیا ندانستی که رسول خدا ﷺ از جانب خدای عزوجل فرمود:

۱. «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: كُلُّ أُمَّرٍ ذِي بَالٍ لَا يُذَكَّرُ بِسْمِ اللَّهِ فِيهِ فَهُوَ أَتَمُّ.»

۲. تفسیر امام عسکری علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، اول، ۱۴۰۹ هـ. ق، ص ۲۲-۲۵.